...ادامه از صفحه قبل

اسلام، به‌عنوان یک مکتب انسان‌ساز و جامعه‌ساز، توانسته حرکت‌های عظیمی را رقم بزند و همچنان قادر است، این روند را ادامه دهد.

این دین با هویت ذاتی و تولید معانی عمیق، می‌تواند فرهنگ‌هایی با قدرت تغییرات جهانی ایجاد کند و حرکت‌های بزرگی را در مقابله با ظلم و استکبار به وجود آورد؛ اما خطر اصلی زمانی پدیدار می‌شود که این تفکرات سکولار و تقلیل‌گرایانه، جایگزین نگاه جامع و الهی به دین شود.

حبس کردن دین در چارچوبی بسیار نازل و محدود که تنها بر کسب ثروت، درمان بیماری‌ها یا مسائلی از این دست تمرکز دارد، به‌نوعی مطلوب مستکبران جهان است.

مستکبرانی که از قدرت واقعی اسلام می‌هراسند، با تمام توان تلاش می‌کنند تا این نگاه حداقلی و سطحی را به مسلمانان تزریق کنند.

آن‌ها نمی‌خواهند اسلامی را ببینند که با روحیه مقاومت و هویت انقلابی‌اش، قدرت‌های استعماری را به چالش می‌کشد؛ بلکه به دنبال ترویج دینی هستند که خوشایند و بی‌خطر باشد؛ دینی که به‌جای مقابله با ظلم، در چارچوبی مادی و دنیوی حبس شود و هیچ‌گونه تهدیدی برای آن‌ها ایجاد نکند.

▫ این ذکرها از کجا آمده‌اند و بر چه اساسی انتخاب شده‌اند؟

• بسیاری از مخاطبان، به‌ویژه آن‌هایی که به‌نوعی از مسیر معنوی خود بریده‌اند، به‌راحتی این گفته‌ها را می‌پذیرند و به‌دنبال هر چیزی که ارائه می‌شود، می‌روند؛ یعنی نوعی بازار معنوی شکل گرفته که در آن فردی که دچار مشکلات عاطفی و دردسرهای مختلف زندگی است، دنبال چنین نسخه‌های معنوی می‌رود و آنها را می‌خرد.

افراد ایجادکننده این جریان‌ها، به‌طور خاص از مخاطبان خود انتظار دارند که هر چیزی که گفته می‌شود، پذیرفته شود.

در این نظام معنوی جدید، نگاه به ذکر، به‌نوعی رازورزانه و باطن‌گرایانه است؛ به‌طور دقیق‌تر، در الهیات دینی، نگاه به عالم و غیب با نگاه راز و رمز تفاوت دارد.

وقتی به‌دنبال معنا در این‌گونه فضاها هستیم، ممکن است فرد به سمت اعداد، کدها، طالع‌بینی و روان‌شناسی‌هایی برود که ادعا می‌کنند، با کشف رازهای این عالم، می‌توان به‌نوعی به شناختی دست یافت.

اعداد و ارقام مانند: تعداد ذکرها یا اعداد خاصی مانند: یازده، معانی خاصی برای این گروه دارند که به‌طور غیرمستقیم در زندگی فرد تأثیر می‌گذارند؛ به‌طوری که اعداد را به‌عنوان نمادهایی معنوی در فرآیندهای زندگی فرد، دارای اهمیت می‌دانند.

این نگاه، برخلاف آنچه که در دین ما وجود دارد، با تعبد و شناخت دقیق دینی متفاوت است.

در دین، تعداد ذکرها یا عبادات معین، به‌عنوان عبادات تعبدی و از روی فرمان دین تلقی می‌شود؛ نه به‌عنوان ابزاری برای کشف رازهای خاص زندگی؛ درحالی‌که مواردی که به‌شکل عددی و رازگونه بیان می‌شوند، به‌عنوان حقیقت پذیرفته می‌شوند. دین واقعی و تعبدی به ما می‌آموزد که این امور، باید در چارچوب باورهای دینی و با آگاهی از اصول مذهبی صورت گیرد.

این تفاوت بین نگاه‌های دینی و معنوی عصر جدید، باعث می‌شود که نسخه‌های معنوی جدید، به‌طور کلی از اصول دینی فاصله بگیرند و در برخی موارد، به‌جای هدایت، به گمراهی و اشتباه منتهی شوند.

مثال واضح این موضوع این است که اگر بخواهند پول تقلبی بسازند، از همان نوع پول واقعی استفاده می‌کنند و تنها در جزئیات آن، تغییراتی می‌دهند.

به‌همین شکل، در جریان‌های معنوی جدید نیز گاهی ممکن است، برخی از آموزه‌ها و مفاهیم دینی را به‌شکلی مشابه با آنچه که در دین واقعی وجود دارد، ارائه دهند؛ اما این نسخه‌ها در حقیقت از اصل منحرف شده‌اند.

این مدل تقلبی، به‌طور غیرمستقیم از اصول دینی بهره می‌برد و در ظاهر مشابه با آن است؛ اما در عمق و ساختار، با آن تفاوت‌های اساسی دارد.

هدف اصلی عصر جدید این است که نه‌تنها دین را از شکل اصلی خود خارج کند؛ بلکه در تلاش است تا خود را به‌عنوان یک چتر همه‌جانبه معرفی کند که در همه فرهنگ‌ها جریان دارد.

در این فرایند، جوانان ممکن است به‌جای توجه به اصول دینی و عبادات واقعی به سمت مفاهیم سطحی و بی‌اساس مانند «کارما» یا دیگر آموزه‌های غیراسلامی گرایش پیدا کنند.

این مسأله باعث می‌شود که آنها از آموزه‌های واقعی دین دور شوند و در عوض، به آموزه‌هایی مبتنی بر جذابیت‌های ظاهری و بدون مبنای دینی روی آورند.

در نگاه جدید به نماز برخی افراد به‌جای آنکه نماز را به‌عنوان یک عبادت و ارتباط معنوی با خداوند درک کنند آن را به ابزاری برای انرژی‌دهی و بهبود وضعیت جسمانی یا روانی خود تبدیل کرده‌اند.

در برخی موارد، افراد ادعا می‌کنند که هدفشان این است که دین را برای نسل جدید جذاب کنند؛ مثلاً یکی از این افراد به بنده گفت که من سعی می‌کنم، دین را جذاب‌تر کنم تا برای جوانان عصر جدید قابل قبول‌تر باشد.

این آقا حتی به این اشاره کرد که استفاده از مفاهیم عرفانی و حتی بی‌ربط به آموزه‌های دینی، می‌تواند به جذابیت دین برای جوانان کمک کند.

این همان چالش است که آیا واقعاً این کار می‌تواند به جذب جوانان به دین کمک کند؟ یا اینکه ممکن است پیامدهای منفی داشته باشد و اصول دین را به انحراف بکشاند؟

▫ روند جذاب‌سازی دین و جذب مخاطب توسط بلاگرها به چه شکل است؟

• روند جذاب‌سازی به این شکل که برخی برای جذاب کردن دین به‌جای تبعیت از اصول دینی و اسلامی، اجزای مختلفی را با آموزه‌های نادرست در می‌آمیزند، می‌تواند مشکلاتی را به‌وجود آورد.

در حقیقت، هدف اصلی عصر جدید این است که نه‌تنها دین را از شکل اصلی خود خارج کند؛ بلکه در تلاش است تا خود را به‌عنوان یک چتر همه‌جانبه معرفی کند که در همه فرهنگ‌ها جریان دارد.

در این فرایند، جوانان ممکن است به‌جای توجه به اصول دینی و عبادات واقعی، به سمت مفاهیم سطحی و بی‌اساس مانند «کارما» یا دیگر آموزه‌های غیراسلامی گرایش پیدا کنند.

این مسأله باعث می‌شود که آنها از آموزه‌های واقعی دین دور شوند و در عوض، به آموزه‌هایی مبتنی بر جذابیت‌های ظاهری و بدون مبنای دینی روی آورند.

در نگاه جدید به نماز، برخی افراد به‌جای آنکه نماز را به‌عنوان یک عبادت و ارتباط معنوی با خداوند درک کنند، آن را به ابزاری برای انرژی‌دهی و بهبود وضعیت جسمانی یا روانی خود تبدیل کرده‌اند.

برای مثال، در برخی کانال‌ها مشاهده می‌کنید که فردی می‌گوید: سجده برای او به‌عنوان یک عمل معنوی، باعث فعال شدن چاکراهای خاصی در بدنش می‌شود.

این نوع تفاسیر از نماز به‌طور کامل آن را از مفهوم اصلی‌اش که یک عبادت دینی است، خارج می‌کند. در این صورت، نام «نماز» دیگر مناسب نیست زیرا آنچه که به آن اشاره می‌شود دیگر یک عبادت دینی واقعی نیست؛ بلکه چیزی است که از آموزه‌های دینی منحرف شده و به مفاهیمی مبتنی بر روحیه فردگرایی و انرژی‌های غیرروحانی تبدیل شده است.

▫ آیا در پشت پرده جریانات بلاگرهای معنوی، اهداف مغرضانه‌ای نهفته است که تا موجب حمایت نهادهای استکباری شوند؟

• دشمن توانسته که این موضوعات و مشابه آن را به‌عنوان رقیب‌های جدی آموزه‌های دینی و فرهنگی وارد میدان کند و هدف‌شان این است که انسان‌ها را از آموزه‌های دینی که روحیه مقاومت، مبارزه و ایستادگی در برابر سلطه‌گران را در آنها تقویت می‌کند، دور کنند و به‌جای آن، انسان‌ها را به سمت لذت‌جویی و خودخواهی سوق می‌دهند. در این مدل‌های فردگرایانه، جوامع از هم می‌پاشند و تمرکز روی خواسته‌های فردی و دنیوی به‌جای انسجام اجتماعی و دینی قرار می‌گیرد.

آموزه‌هایی مانند: «کارما»، «قانون جذب» و «مثبت‌اندیشی» نیز جزو همین جریان‌ها هستند که بیشتر به‌دنبال فروش ایده‌های شخصی و فردی هستند تا ترویج آموزه‌های اجتماعی و دینی که بر پایه مقاوم‌سازی فرد و جامعه در برابر فشارهای استکباری و ظلم قرار دارد.

در حقیقت به‌معنای جریانی حمایت‌گرایانه هستند که به‌جای رشد اجتماعی و دینی فرد، تنها به منافع شخصی او توجه دارند.

▫ بلاگرهای معنوی چه آسیب‌هایی می‌تواند به فضای دینداری مردم و جامعه وارد کنند؟

• آسیب‌ها را می‌توانیم به دو بخش تفکیک کنیم: یکی برای مخاطب شخصی و دیگری برای جامعه دینی.

اگر بخواهیم برای جامعه دینی بحث کنیم، دینداری به‌گونه‌ای که در این فضا ترویج می‌شود، به‌نوعی باعث تأویل و تحریف دین می‌شود و متأسفانه دینداری به‌طور کلی تغییر می‌کند؛ شاید شما ظاهری از دین را ببینید؛ مثلاً قرآن و نماز و چند مورد دیگر؛ ولی در اصل باطن دین و شاکله آن به‌طور کلی به هم می‌ریزد و اصل دینداری ضربه می‌خورد.

باورهای دینی مثل باور به خدا وارد یک الهیات جدید می‌شود؛ به‌طور مثال، الهیات مونیسم یا الهیات انفسی و خوداولویتی که در قالب مفاهیمی مانند: انرژی و کائنات مطرح می‌شود و یا معادباوری شکل عوض می‌کند و در قالب کارما و تناسخ مطرح می‌شود.

دین‌داری در این فضا به تفنن‌گرایی، درمان‌گرایی و کارکردگرایی تقلیل پیدا می‌کند؛ ما با یک احساس‌گرایی سطحی مواجه می‌شویم و عقلانیت دینی کنار گذاشته می‌شود و در نهایت کارکردهای دین در جامعه که باید به رشد و تکامل جامعه کمک کند، از دست می‌رود.

اگر بخواهیم در مورد فرد بحث کنیم، اتفاقی که می‌افتد، این است که نیاز فطری او که به دنبال معنویت است، تغییر ذائقه پیدا می‌کند.

این نیاز معنوی کور می‌شود و ذائقه‌اش عوض می‌شود؛ لذت‌های معنوی که فرد ممکن بود، در یک الگوی متعالی دنبال کند، دیگر به‌شکل واقعی تجربه نمی‌شود و به یک حس خوب و حال خوب سطحی تبدیل می‌شود. این اولین آسیبی است که برای فرد به وجود می‌آید که همان کورشدن ذائقه حقیقی و معنوی اوست.

در اینجا شما فقط یک حس می‌گیرید؛ چیزی که به‌طور مصنوعی ساخته شده است؛ یک تجربه برساخته و تصنعی که به مثال شکلاتی می‌ماند که به‌طور قابل توجهی ساده‌سازی و کاهش یافته است.

نکته بدتر این است که عقلانیت انسان در این فضا تعطیل می‌شود که واقعاً یک فاجعه است؛ انسان وارد یک فضای خیال‌بافی و رویاپردازی می‌شود که در آن، هر چیزی ممکن است؛ ولی درواقع این یک تجربه غیرواقعی و دنیای خارج از حقیقت است.

علاوه بر این، انسان‌ها در این فضا دچار آسیب‌های عمیق‌تری می‌شوند؛ آنها درگیر تفکر فردی و تنهایی می‌شوند.

معنویت دینی، اصولاً یک جنبه جمعی دارد. درست است که در آموزه‌های دینی ما، خلوت و فردیت بخشی از معنویت است؛ اما بیشتر مناسک دینی و معنوی به‌صورت جمعی اجرا می‌شوند و در این فضا، انسان معنوی در اجتماع رشد پیدا می‌کند.

در دنیای معنویت فردگرایانه، انسان تبدیل به موجودی تنها می‌شود که بیشتر، خود او در پرورش این معنویت نقش دارد و این «منِ انسانی» موضوعیت پیدا می‌کند؛ به این معنا که معنویتش بیشتر از آنکه به خدا یا به جامعه مربوط باشد، به خود او وابسته است و هرچه بیشتر قادر باشد، این حس معنوی را ایجاد کند، بیشتر احساس می‌کند که به هدف خود رسیده است.

این نوع از معنویت، آسیب‌های روانی خاص خود را نیز دارد. یکی از روان‌شناسان در این زمینه تحقیق کرده و به آسیب‌هایی همچون افسردگی و مشکلات روانی دیگر اشاره کرده است.

بیشتر افرادی که وارد این فضا می‌شوند، درگیر این مشکلات می‌شوند؛ چراکه به‌مرور زمان، از اجتماع و ارتباطات واقعی دور می‌شوند و معنویت آن‌ها، به چیزی سطحی و فردی تبدیل می‌شود که نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای واقعی‌شان باشد.

▫ در حال حاضر، شاهد حضور و فعالیت برخی از طلبه‌ها در این عرصه هستیم؛ راه‌حل شما برای اصلاح فعالیت برخی از طلبه‌ها چیست؟

• جامعه تبلیغی و حوزوی ما در طول تاریخ، همواره با یک روحیه جهادی شناخته شده است.

روحانیون در حوزه‌های علمیه، همواره بدون چشم‌داشت، تنها با انگیزه‌ای الهی برای عرضه دین خدا به جامعه تلاش کرده‌اند و از ابزارهای متعالی موجود برای رسیدن به هدف‌شان بهره برده‌اند.

شاید امروزه برخی از این دوستان تصور کنند که فضای مجازی و ابزارهای جدید بهترین راه برای خلاقیت و نوآوری در جذب افراد به سمت دینداری است؛ اما متأسفانه نتیجه‌ای که در بسیاری از این تلاش‌ها دیده می‌شود، چندان مطلوب نیست و شاید از هدف اصلی‌شان دور می‌شود.

این روند به‌تدریج به سمتی می‌رود که اقتضائات فضای جدید را می‌پذیرند؛ مانند پکیج‌فروشی؛ یعنی به‌جای اینکه فقط محتوای دینی عرضه شود، در مقابل هر خدمت دینی، پرداخت مالی و اهمیت فروش آن پکیج و دوره مطرح می‌شود.

به‌عبارت دیگر، آنها تلاش می‌کنند، با استفاده از این ابزارها، برای گروه‌ها و کانون‌های تبلیغی هزینه‌ها را تأمین کنند. بیشتر کسانی که وارد این فضا می‌شوند، انگیزه‌های الهی دارند و در ابتدا با هدف درست وارد می‌شوند؛ اما کم‌کم اقتضائات این فضا آنها را به سوی مسیرهای دیگری می‌برد.

درنهایت، بسیاری از این افراد به کپی‌برداری از مدل‌های معنویت عصر جدید روی می‌آورند. این مدل معنویتی که در حال شکل‌گیری است، نه به معارف عمیق‌تر دینی، بلکه بیشتر به کارکرد درمانی و رفاهی دین می‌پردازد.

دین در اینجا به یک ابزار برای رسیدن به رفاه و خوشبختی فردی تبدیل می‌شود و ابعاد معنوی و مناسکی آن به حاشیه می‌روند و شریعت و نظام معرفتی و اندیشه‌ای دین به‌طور کامل کنار می‌رود و تنها جنبه‌هایی از دین که به‌طور سطحی برای عموم جذاب هستند، برجسته می‌شوند.

به‌عبارتی، دین به چیزی تبدیل می‌شود که به‌راحتی مورد پسند عموم قرار گیرد و بیشتر به یک نمایش پاپ‌لار تبدیل می‌شود؛ جایی که همه چیز به مقبولیت عمومی وابسته است.

شهید مطهری رحمه‌الله در آسیب‌شناسی جامعه تبلیغی نکته‌ای دارند که در نظام مالی سازمان روحانیت به آن اشاره کرده‌اند.

ایشان می‌گوید که اگر این نظام مالی به‌درستی ساماندهی نشود، به پیروی از عوام خواهیم افتاد؛ یعنی به‌جای اینکه ما به مردم نقشه راه و هدایت دینی نشان دهیم، خود را با ذائقه عامه مردم تطبیق می‌دهیم.

در حال حاضر هم این‌طور شده است که افراد معمولاً به سمت گزاره‌ها و آموزه‌های عامه‌پسند می‌روند؛ یعنی آنچه که مردم می‌پسندند. بازخورد این روند معمولاً از رسانه‌هاست که اغلب تصویری غیرواقعی از جامعه و افراد به نمایش می‌گذارند؛ درحالی‌که یکی از مزیت‌های مهم جامعه تبلیغی ما این بوده که روحانیون و تبلیغ‌کنندگان، در کف جامعه بوده و ارتباطات واقعی با مردم داشتند.

رسانه‌ها معمولاً انعکاس کاملی از واقعیت‌های اجتماعی ندارند؛ چراکه ویژگی‌های برساخته و غیرواقعی دارند. جامعه رسانه‌ای در تلاش است تا با ادبیات ساده و گاهی زرد با مردم ارتباط برقرار کند؛ به‌طوری که احساس می‌شود، باید با ذائقه جامعه ارتباط برقرار کرد.

این روند باعث می‌شود که دین به سمتی برود که بیشتر برای مردم عامه‌پسند و جذاب باشد.

▫ یعنی هدف این است که از دین به‌عنوان ابزاری برای کسب شهرت استفاده شود؟

• این نکته مهم است؛ چراکه برخی افراد در فضای رسانه‌ای با هدف دستیابی به فالوور و دیده‌شدن، وارد این فضا می‌شوند. در اینجا، تعداد فالوورها، به یکی از ارکان اصلی فعالیت رسانه‌ای تبدیل می‌شود.

وقتی فردی فالوورهای زیادی داشته باشد، اتوریته و اعتبار بیشتری در میان مخاطب دارد. به‌همین دلیل برخی به دنبال کسب شهرت می‌روند تا اتوریته بیشتری پیدا کنند؛ درحالی‌که این خود، وارد صنعت شهرت می‌شود و خطرات خاص خود را دارد. در حقیقت، این موضوع شباهت‌هایی با معنویت عصر جدید دارد.

این جریان‌ها در معنویت عصر جدید به خودابرازگرایی (self-expression) و خودتظاهرگرایی (self-deception) می‌رسند و هر چقدر تأیید بیشتر از دیگران بگیری، معنویت بیشتری پیدا می‌کنی.

وقتی در فضای مجازی گزاره‌های معنوی را به‌کار می‌بری و تأیید می‌گیری، به خوداولویتی نزدیک‌تر می‌شوی. در معنویت عصر جدید، هدف این است که هرچه بیشتر تأیید دریافت کنی، بیشتر احساس معنوی‌بودن کنی.

این روند در فضای مجازی تقویت می‌شود و شهرت بیشتری به‌همراه می‌آورد. به‌عبارت دیگر، هرچه بیشتر دیده شوی، معنوی‌تر می‌گردی. در این فضا، خودابرازگرایی و نمایش خود، حتی تا حدی که در اخلاق اسلامی به‌عنوان رذیلت شناخته می‌شود، به فضیلت تبدیل می‌شود.

خودپسندی و خودبسندگی به‌عنوان «عزت نفس» معرفی می‌شود و این فضائل در دین ما نه هدف، بلکه ابزار هستند. استفاده از شهرت به‌عنوان ابزار برای رسیدن به اهداف معنوی خطرناک است؛ زیرا ممکن است انسان تحت تأثیر نفس خود قرار گیرد.

حتی اگر فرد با نیت الهی و اخلاص شروع کند، ممکن است نتیجه این کار به شهرت تبدیل شود؛ اگرچه ممکن است، فردی نیت الهی داشته باشد؛ اما باید این نکته را مد نظر قرار داد که نباید به شهرت به‌عنوان هدف نگاه کرد. این نکته اهمیت دارد که اگر انسان هدفش خدمت به مردم و رسیدن به معنویت باشد، نباید در دام شهرت گرفتار شود.

در این راستا، یکی از مسائل اصلی آگاه‌سازی عمومی است. متأسفانه برخی افراد، برای رسیدن به معنویت، به این دوره‌های معنوی که مبلغ‌های بالایی دارند، پول پرداخت می‌کنند.

این نوع کلاهبرداری‌ها به‌دلیل فقدان آگاهی و شناخت دقیق از معنویت به وجود می‌آید؛ به‌همین دلیل، نیاز به آگاه‌سازی عمومی در این حوزه احساس می‌شود.

▫ در پایان اگر جمع‌بندی و راهکاری برای این مسأله دارید بفرمایید.

• افرادی که در این فضا فعالیت و کنشگری می‌کنند، باید متوجه باشند که دینداری ما در چارچوب یک نظام معرفتی خاص شکل می‌گیرد که تمام جوانب آن، به‌خوبی تبیین شده است. این به آن معنا نیست که دین به کارکردها و سبک زندگی ما توجهی ندارد؛ بلکه برعکس، کاملاً به این موارد پرداخته است.

اگر بخواهیم صرفاً بر اساس مقبولیت‌گرایی عمل کنیم و در این چارچوب محدود، به بحث بپردازیم، دچار خطاهای شناختی خواهیم شد. در نسل جدید، با حضور بلاگرها و تلاش آنها برای کسب مقبولیت اجتماعی و تأثیرگذاری، استفاده از ابزارهای رسانه‌ای امری طبیعی و قابل پذیرش است. رسانه، امروزه می‌تواند مهم‌ترین ابزار تبلیغی باشد.

مشکل اصلی زمانی پیش می‌آید که با جریان‌های عقل‌گریز و عقل‌ستیز مواجه می‌شویم.

این جریان‌ها گاهی با استفاده از ادبیات شبه‌علمی، مفاهیمی مانند کوانتوم، انرژی و فرکانس ادعاشده در این معنویت ساختگی را بدون پشتوانه علمی مطرح می‌کنند. برای مثال، ادعا می‌کنند که فلان ذکر دارای فرکانس خاصی است، بدون آنکه هیچ اندازه‌گیری یا سنجش علمی برای اثبات این ادعا ارائه دهند.

دین ما عقل‌ستیز نیست. نباید اجازه دهیم که این جریان‌ها با رویکردهای شبه‌علمی، باطن‌گرایانه و رازورزانه، ما را از ابعاد اصلی اخلاقیات، احکام و مناسک دینی غافل کنند.

نکته دیگری که باید به آن توجه کنیم، چرخش مهمی است که در این جریان‌ها مشاهده می‌شود؛ یک چرخش انفسی که در آن مردم دیگر دینداری را از نهاد دین دریافت نمی‌کنند؛ بلکه مرجعیت درونی و تشخیص شخصی خود را در این عصر پست‌مدرن حجت قرار می‌دهند.

برای دستیابی به سعادت دنیا و آخرت، باید مسیر مشخصی را طی کنیم. امروزه در حوزه‌های علمیه، طلبه‌ای که بیست سال زحمت می‌کشد و درس می‌خواند، با این استدلال مواجه می‌شود که «من هم می‌توانم روایات را بخوانم و برداشت خودم را داشته باشم.»

اگر قرار بود این‌گونه باشد، دیگر نیازی به حوزه‌های علمیه نبود و همه می‌توانستند، با مراجعه مستقیم به قرآن و روایات، برداشت‌های شخصی خود را داشته باشند.

دین لایه‌های مختلفی دارد و صرفاً برای تأمین آرامش فردی نیست. نمی‌توان گفت که فقط با یک ارتباط معنوی و حس‌جویی معنوی، می‌توان از دین بهره برد. دین قرار است حکومت، سیاست و اقتصاد را تدبیر کند و ابعاد بسیار کلان‌تری دارد.

شما نمی‌توانید در زیست فردی خود، صرفاً با فهم شخصی‌تان دین را بسنجید. دین در یک نظام معنایی و اندیشه‌ای بزرگ‌تر، معنا پیدا می‌کند.

مقام معظم رهبری در دیدار با جامعه تبلیغی در تاریخ ۲۱ تیر ۱۴۰۱ تأکید کردند که تبلیغ به‌معنای «رساندن پیام خدا به جان و دل مردم» است.

حوزه علمیه می‌تواند این نقش را بدون آلوده‌شدن به خرافات ایفا کند. بسیاری از جریان‌هایی که در فضای مجازی به‌نام معنویت‌های سکولار و معنویت‌های عصر جدید مطرح می‌شوند، ریشه‌های شرک‌آلود دارند.

تنها نهادی که می‌توانیم به آن اعتماد کنیم، حوزه علمیه است؛ البته این به این معنا نیست که دیگران نمی‌توانند درباره آموزه‌های دینی در فضای مجازی فعالیت کنند؛ بلکه آنها نیز باید به سراغ اندیشمندان و بزرگان دینی بروند.

راهکار امروز ما، «آگاه‌سازی عمومی» است. در شرایطی که فضای مجازی به‌صورت انبوه این آموزه‌ها را منتشر می‌کند، نیاز به آگاه‌سازی عمومی داریم.

ما نیازمند یک آگاه‌سازی عمومی هستیم که در دو بُعد اهمیت دارد: نخست، خطرات معنوی و اعتقادی و دوم، مسأله کلاهبرداری‌های مالی.

بارها با مخاطبانی مواجه شده‌ام که به‌دلیل نیاز معنوی خود، مبالغ قابل توجهی، در حد چندمیلیون تومان، برای شرکت در دوره‌های به‌اصطلاح معنوی پرداخت کرده‌اند. این کلاهبرداری‌ها که تحت عنوان رفع نیازهای معنوی صورت می‌گیرد، نشان‌دهنده ضرورت آگاه‌سازی عمومی در این زمینه است.